

نامه سرگشاده به جوانان مسلمان



بسم الله الرحمن الرحيم

نامه سرگشاده به جوانان مسلمان

سپاس و ستایش خدا یرا که پس از ضعف و ناتوانای قوت و نیرو می بخشد. خدای که به مخلوقاتش بسیار مشفق و مهربان است. نعمتهایش از حیطه شمار بیرون است و گنجینه های جود و کرمش از عطا و بخشش پایان نمی یابد. و درود بی پایان و سلام قروان بر مشعل دار نور پیامبر مان محمد صلی الله علیه وسلم و خاندان و یاران با صفا شان باد.

برادرم!

این جزوه را در حالی برایت نوشتم که قلبم آنرا انشاء نموده و نصیحت و خیر خواهی پس افزون حامل آن بسوی تو می باشد. تا باشد که مطالب و محتویات آن برایت مفید و سودمند واقع گردد.

پس برادر عزیز! یگانه امید من از تو اینست که دروازه های قلبت را بسوی آن بگشا و در اعماق ضمیرت او را جای بده. برادرم! اگر چنین کردی، پس بیاری خداوند این جزوه دستت را خواهد گرفت و برایت مفید واقع و سودمند واقع خواهد شد.

برادرم! سخنم با تو درین اوراق از زنده گانی دنیا یا تلخی ها و سختی ها و الام و مصایبش خواهد بود. زندگانی که خداوند ج از آن برایت چنین تصویری کشیده است.

ترجمه: زندگی دنیا را برای آنها به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم، بوسیله آن گیاهان زمین سر سبز و در هم فرو می روند. اما بعداز مدتی می خشکد، بگونه که باد ها آنها را بهر سو پراکنده می کند، و خداوند بر هر چیز توانا است.

برادر جوان! مسلماً که تو تلخی های زندگی را صبح و شام می چشی، و برادرم، در زندگی دنیا بدتر از ارتکاب معاصی و فرو رفتن در لذایذ مادی و شهوت ها چیزی دیگری تصور نمی شود، چه همین گناهان است که کمرت را شکسته و جوانی ات را بر تو فاسد کرده است. و عزم و اراده قوی و راسخ را که شایسته یک جوان مسلمان می باشد از تو سلب نموده است.

برادر جوان! واژه جوانی که به آن در عربی (شاب) گفته می شود آیا می دانی که چه معنا دارد؟.

علماء گفته اند: اصل و ریشه این کلمه (شاب) دلالت بر حرکت و نشاط و پویایی می کند.

برادرم! جوانی از خود یک گرمی و جوشی بویژه دارد که اگر بوسیله سرمای ایمان راستین خاموش کرده نشود صاحبش را هلاک می کند.

و برادرم! بدان که دام های ابلیس لعین در اطرافت تنیده شده است و اگر از یکی آن نجات یابی دام دیگرش را بر سر راهت می تند و به همینگونه ادامه خواهد داشت تا آنکه اسیر دامش گردی و مطیع و فرمانبردارش شوی.

برادرم! جالها و چالهای بزرگ ابلیس را من برایت درین جزوه نشان می دهم. جالهایی که دیگر شرارتها و زهر پراگنی هایش از آن نشأت می کند.

پس برادر جوان! با هوش و حواس بیدار و قلب زنده و هوشیار بیا یکجا با من به تعالیم و رهنمونی های علمای پارسا و خدا پرست درین مورد گوش فراده تا حیلها و ترفند های ابلیس لعین را یکایک برایت شرح دهند.

علي ابن ابي طالب گفته است:

اساس فتنه بر سه چیز است:

اول: زنان، و آنها دام گسترده و آماده ابلیس اند.

دوم: شراب: و آن شمشیر برهنه و بی نیام ابلیس است.

سوم: دینار و درهم، و آن تیرهای آگنده به زهر ابلیس اند.

برادر جوان! خداوند من و ترا از شر فتنه های پنهان و آشکار نگهدارد و به رحمت بی پایانش از هوای نفس و تمایلات غریزی محفوظ مان دارد.

برادرم! یگانه سبب هلاکت و تباهی انسانها هوای نفس است. طبیعتاً نفس به هر چیز رغبت می کند، هر چند که در آن عصیان و نافرمانی باری تعالی باشد. بویژه نفوس جوانان طوریست که صاحبش را از داخل می جوشاند مانند دیک که بالای آتش جوش بخورد، و بسوی عیش و نوش و لذایذ و شهوات می جهد.

پس برادرم: دریغا بر جوانیکه رونق جوانی اش را در پای بت عیاشی و شهوت رانی قربان می کند.

برادرم: چه بسا جوانانی هستند که بر مرکب هوس و ارزوی های نامشروع شان سوار اند. آری، هوای نفس چه بد مرکبیست. برادرم: هشدارف مرکب هوا و هوس.....

برادرم: آیا گاهی قرآن خوانده ای تا دیده باشی که چگونه الله ج هوا و هوس را در کتابش نکوهش کرده است؟

ترجمه: آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده؟ و خداوند او را با آگاهی گمراه ساخته و برگوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده ای افکنده با اینحال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکر نمی شوید؟

حسن بصري گفته است:

"آنکه همه آموزش تابع هوای نفس و خواهشانش باشد منافق است". برادر جوان: موقت را تعیین کن که در کجا ایستاده ای؟ آیا در آستان هوای نفس ایستاده ای و یا در آستان اطاعت و بندگی الله ج.؟

برادرم: اگر از کسانی هستی که بر آستان هوای نفس ایستاده اند، پس سوگندت می دهم راستی ات را بگو که چه چیز را در جهان هوای نفس دریافتی؟

* آیا آرامش و شادمانی را دریافته ای که به ضمیر و وجدانت سکون و اطمینان بخشد؟

* آیا در قراره نفس خود شوق و رغبت بسوی سرای آخرت و بهشت جاویدان پروردگارت بهشتی که پهنایش به اندازه آسمانها و زمین است. والله ج آنرا برای پارسایان آماده کرده است. احساس نموده ای؟

* آیا در ضمیر و درون خویش محبت به اطاعت پروردگارت و محو شدن در عبادت او را احساس کرده ای؟

برادر جوان: چقدر نیک بخت خواهی بود در آن روزی که شبش را سپری کنی و صبح آنرا به انقیاد و اطاعت الله تعالی استقبال کنی، و هوای نفست را در آنروز بکشی.

پس باید برادرم: این روز را از جمله روزهای نیکویت بشماري، روزی که فردا (روز قیامت) وقتیکه در پیشگاه الله ج ایستاده شوی و به یک نیکی محتاج باشی – آنوقت برایت مفید و سودمند واقع می شود.

برادرم: نه تنها یک روزت با اینگونه باشد و بس بلکه بکوش همه روزهایت به

همینگونه روزهای سفید باشند. خداوند چهره من و ترا سفید کند روزی که در آن بسا چهره ها سفید و بسا چهره های سیاه می شوند.

ابو درداء رض گفته است:

" وقتیکه انسان شب را روز می کند عمل و هوای نفسش با هم جمع می شوند، اگر عملش تابع هوای نفسش شد پس روزش روز بدي خواهد بود و اگر هوای نفسش تابع عملش شد پس روزش روز نیکو و خوبی خواهد بود.

برادرم: آیا ترا به اصل مرض و علاج آن رهنمایی نکنم؟

ابن سماک گفته است: "اگر می خواهی ترا به اصل بیماری ات و علاج آن رهنمایی میکنم".

بیماری تو هوای نفست است و علاجش ترک آن می باشد. مردی نزد حسن بصری آمد و گفت: " ای ابوسعید! کدام جهاد افضل است؟ گفت: جهاد با هوای نفس".

برادرم: لحظه درنگ کن. این سخنان را برادرم، برای تو می نویسم. ای کسیکه در دریای خروشان گناهان و شهوت های زود گذر غرق شده ای، وای کسیکه در برابر زرق و برق دنیای فریب دهنده گیج و مدهوش مانده ای! لذت و عیش زندگی را ندانستی جز شبی که آنرا در تالار های عیاشی سپری نمودی، یا لحظاتی که آنرا به عشق و عشق بازی با زنان و دختران رو سبی و فاحشه ضایع کردی و با دقایق و ساعاتی که آنرا در رفت و آمد به سینماها و مراکز فحشا و فساد گذراندی و یافروست های که آنرا در آواره گی و در بدری در کوچه ها جاده ها از دست دادی و یا هم روز های پر بها و ارزشمند جوانی ات که آنرا در کشور های کفری در میان رقص و شراب و کباب و در وسط صد ها لجنزار کثافات و پلیدی ها گذراندی. آری همین است بهره تو از زندگانی دنیا و جز این چیزی دیگری از زندگی دنیا در دفتر اعمالت ثبت نیست.

برادر جوان: گمان می‌کنم فراموش کرده‌ای که مسلمان هست، و فراموش کرده‌ای که بخاطر چه هدف و مقصد آفریده شده‌ای؟
برادرم: گمان می‌برم فراموش کرده‌ای که روزها بسرعت می‌گذرد و جوانی‌ات همراه با آن سپری می‌شود.
برادرم: گمان می‌کنم فراموش کرده‌ای که سعادت و نیکبختی‌ات در چند قدمی‌ات قرار دارد.

از انس رض روایت است که گفت:

رسول صلی الله علیه وسلم فرمودند: "حَقَّتْ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حَقَّتْ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ" (مسلم و ترمذی)

یعنی "بهشت با دشواری‌ها احاطه شده است و دوزخ با عیاشی‌ها و شهوت‌ها محاط شده است".

برادرم: جوانی‌ات سرمایه بسیار ارزشمند تست آنرا بی‌فایده و رایگان از دست مده، و چون پناه‌گاه و سنگرت به خطر مواجه شد آنرا خراب مکن.

برادرم: به فرجام معاصی و شهوت پرستی باید عبرت گیرنده نظر افکن تا عاقبت بد و شوم آنرا دریابی.

امام ابن جوزی می‌گوید:

"خردمند کسی است که دین و مردانگی‌اش را با پرهیز از حرام حفاظت کند. وقوت و نیروی‌اش را در حلال نگهدارد. و آنرا در راه کسب فضایل در قالب علم و عمل بمصرف برساند، عمرش را فنا و قلبش را مشغول به چیزی نکند که عاقبت نیکو نداشته باشد".

برادر جوان! آیا گاهی در مورد عاقبت و انجام معاصی اندیشیده‌ای؟ که همانا سبب بدبختی و پریشانی و اضطراب در دنیا و شکنجه و عذاب و جهنم سوزان در روز قیامت است:

برادرم: اطاعت پروردگارت را هدف و برنامه زندگی خویش گردان تا در دنیا نیکبخت شوی و در قیامت روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان ایستاده می شوند به عالیترین درجات نایل گردی.

حسن ابن محمد جریری گفته است:

"تیزترین مرکب بسوی بهشت تقوا و برهیزگاری در دین است، و تیزترین مرکب بسوی آتش دوزخ منهک شدن در شهوات و غرایز جنسی می باشد. پس کسی که بر پشت یکی از شهوات و غرایز جنسی می باشد. پس کسی که بر پشت یکی از شهوتها سوار شد او را بسوی هلاکت و تباهی سوق می دهد".
همانا برای هر چیز غایت و انتهایست، هر چند که بعضی مردم لذت و سعادت را در شهوت پرستی می پندارند، زیرا:
برادرم: استمرار بر عیاشی و شهوت رانی سر انجام به از بین رفتن حالات شهوت منتهی می شود".

امام ابن جوزی می گوید:

"و باید دانست که اشخاص عیاش و شهوت ران بالاخره بحالتی می رسند که از شهوت رانی هیچ لذتی نمی برند و در عین حال آنها از آن دست کشیده نمی توانند زیرا که شهوت رانی برای آنها شکل زندگانی اجباری و اضطراری را اختیار کرده است".

برادرم! هشدار! این شهوتها است که از هر طرف ترا محاصره کرده اند و در نگاهت بسیار زیبا و دلربا معلوم می شوند و به لباس های رنگارنگ جلو چشمت نمایان می شوند.

برادرم: گمان میکنم فراموش کرده ای که سعادت و نیکبختی ات در چند قدمی ات قرار دارد.

و این تو هستی برادر جوان: که بدنبال آنها کور کورانه دست و پا می زنی و به

آغوش جهنمی شان بدون اندکترین فکر و تدبیر خود را می افگنی.

ابراهیم قصار گفته است:

"توان ترین شخص کسی است که از کنترل و جلوگیری شهوتش عاجز باشد و قوی ترین شخص کسی است که جلو شهوتش را گرفته بتواند".

پس برادرم: صبر کن و دگران را به صبر توصیه کن، تا سعادت و کامیابی دنیا و آخرت را حاصل کنی. الله ج گفته است:

ترجمه: خداوند در برابر شکیبایی آنان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی به آنها باداش می دهد".

ابو سلیمان دارانی در تفسیر آیه فوق گفته است:

از شهوت صبر کردند

یحی ابن معاذ گفته است: "بهشت به دشواری ها احاطه شده است و تو آنرا دوست نداری، و دوزخ توسط شهوت ها و غرایز جنسی احاطه شده است و تو طالب آن هستی. پس تو به بیمار مزمنی میمانی که اگر بر تلخی دوا صبر کند صحت و عافیت مندی اش را باز می یابد، و اگر در برابر تلخی دوا مقاومت نکند صحتش را باز نمی یابد و بیماری اش سالیان متمادی ادامه پیدا می کند".

پس برادرم: صبر کن تا در اطاعت و بندگی الله ج استغناء از معاصی و گناهان را دریابی و در صف هدایت یافتگان و قافله توبه کننده گان داخل شوی... آری این بعید نیست.

برادرم: لحظه توقف کن، و تو ای عاشق دلداده و دلباخته، این چه مرضیست برادرم، که دین و دنیایت را بر تو فاسد کرده است؟

آیا این همان مرضی نیست که شما به آن عشق می گوئید؟
مرض کشنده جوانان..... و سرطان مهلک بسا گلهاي نو شگفته و غنچه هاي نو
رسیده، آری چه بسا جوانانی اند که رونق و طراوت جوانی شان توسط این مرض
سیاه فاسد شده است.

برادر جوان! چقدر مسکین و بیچاره اند عده جوانانی که به صورت های بی جان
عشق ورزیده و درک نکردند که خداوند آنها را برای مقصد بزرگتر از آن آفریده
است.

ترجمه: من جنس و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند. هرگز از آنها
نمی خواهم که به من روزی دهند، و نمی خواهم مرا طعام کنند، خداوند روزی
دهنده و صاحب قدرت و قوت است."

برادرم: اینست همان هدف والا و مامل بزرگ و رستگاران باید بسوی آن سعی
ورزند.

و بدین سبب حکماء در باره عشق گفته اند.

"هو شغل قلب فارغ" یعنی عشق و عشق باری کار قلب فارغ است " مسلماً سخن
شان در مورد عشق راست و درست است و به یقین عشق در قلبی راه می یابد که
از معرفت برودگارش فارغ باشد.

آری قلبی که هدف و مقصد آفرینش خود را نشناسد. قلبی که به سود و زیان خود
پی نبرد، قلبی که از اهداف والا و بزرگ خالی و عاری باشد. پس اینجا است که
عشق در چنین یک قلب خالی و فارغ از همه فضایل و خوبی ها جای پیدا می
کند.

برادرم: اینک من ترا به اضرار و زیان های عشق در دین و دنیا آگاه می کنم.
ضرر آن در دین: قلب را از معرفت و خشیت الله ج خالی نموده هیبت او را از آن
سلب میکند. پس اینجا است که عاشق در حرام می افتد و آخرتش خراب می شود و
به عقوبت پروردگار مواجه می گردد.

ضرر آن در دنیا: کسیکه به مرض عشق مبتلا است همیشه فکر می کند، گرفتار غم و تشویش است، کم خواب و بی اشتها است، و سر انجام عشق اثر خود را بر اعضا و جوارح عاشق می گذارد، بر چهره اش زردی نمایان می شود و بر دست و پایش لرزه طاری می شود و زبانش لکنت پیدا می کند که دیگر نمی تواند درست حرف بزند و بسا اوقات عشق صاحبش را بجنون و دیوانگی می کشاند.

برادرم: گمان نمی کنم که در جستجوی شناخت دواي عشق و خشکاندن ریشه هاي این شجره ملعون و فاسد نباشي.

برادرم: اگر خواسته باشي که نسخه دقیق و جامعي براي علاج از مرض عشق داشته باشي پس براي مي گويم که آن نسخه فقط از یک عنصر متشکل است که انشاءالله جامع و در برگیرنده تمام عناصر دواي این مرض مي باشد. و آن نسخه عبارت است:

از دوري گزیدن از نظر توام با عزم قوي و اراده راسخ بر اغماض چشم و اجتناب از محبوب.

برادرم: اگر به این نسخه نایاب و اکسیر سعادت عمل کني پس مطمئن باش که دژهاي فولادین عشق بلرزه در آمده و فرود خواهند ریخت.

اصمعي گفته است: "مردم در باره عشق چیزهاي زيادي گفته اند و نوشته اند. اما جامع ترین آن سخني است که یکی از زنان عرب در پاسخ سوالي که از او در باره عشق شد گفته است".

"عشق شرمساري و دیوانگی است".

برادرم: لحظه درنگ کن لذت بزرگ، لذتیکه بالاتر از آن لذتي وجود ندارد اما

دریغا که گروه‌های زیادی از مردم از آن غافل شده اندف و زهی بر آنانیکه بر این لذت بزرگ دست یافتند.

برادرم: آیا می دانی که این لذت بزرگ چیست؟

به پاسخ متوجه شو. "آری بدون تردید طلبگاران دنیا از لذت واقعی در آن غافل مانده اند. اگر لذت و عیثی در دنیا وجود دارد همانا شرف علم، اخلاق، دفاع از حریم عقیده، زهد و قناعت و دستگیری نیازمندان و مستمندان می باشد و بس و اما لذت و تنعم را منحصر در خوردن و آشامیدن و عیاشی با زنان دانستن، کار کسی است که به مفهوم لذت پی نبرده است.

زیرا استفاده از لذایذ مذکور در حد ذات شان مقصود نبوده بلکه استفاده از آنها بخاطر بقای جسم و تن و تحصیل نسل و فرزند می باشد. بس کسیکه به زن رغبت کرد زندگی اش تلخ شد. و کسیکه به شراب دل بست از عقل خویش هیچ استفاده نکرد و کسیکه در هم و دینار را دوست داشت در تمام عمرش بنده و برده آنها باقی ماند " ابن جوزی.

برادرم: اندکی تدبر کن!

ای کسیکه در قلزم گناهان غرق شده ای، و جامه های رنگارنگ معاصی را به تن کرده ایف روزت را در بیهودگی و شبت را در غفلت سپری می کنی!

برادرجوانم: آیا گاهی بخود اندیشیده ای که الله تعالی بر بندگانش تا چه حد مهربان و بردبار است. به انسانها فرصت داده است تا توبه کنند و بسوی او رجوع کنند. آنها را از رحمت خود نا امید نکرده است بلکه در کمال مهربانی و دلسوزی ایشان را بسوی توبه فرا خوانده است.

ترجمه: بگو: اي بندگان من كه بر خود اسراف و ستم کرده ايد! از رحمت خداوند
نوميد نشويد كه خدا همه گناهان را مي آمرزد همانا اوست آمرزنده و مهربان".
برادر جوان: هر چه زود توبه كن و بسوي خداوند باز گرد. آري برادرم: چقدر پر
كيف خواهد بود توبه اي تو در حاليكه تو در سر آغاز زندگي و عنفوان جواني
ات باشي، و چقدر نيكبخت خواهي بود در حاليكه در دل شب برخيزي و دروازه
آفريدگار خويش را به اميد قبول توبه ات دق الباب كني، و براي گناهانت از وي
آمرزش طلبي، و با پيمان اطاعت و بندگي و دوري از هوا و هواسر ابربندي. و
درين صورت برادرم!

شايد در زمره جواناني شامل شوي كه بيامير صلى الله عليه وسلم آنها را يكي از
هفت گروهی بر شمرده اند كه فردي قیامت به هنگاميكه ديگر هيچ سايه وجود
ندارد آنها را در زير سايه عرش خود جاي مي دهد.

برادرم: اگر خداوند مهربان است بايد فراموش نكني كه در پهلوي مهرباني اش
سخت عذاب دهنده نيز مي باشد. پس

برادرم: از عقاب و عذاب بزرگش بسيار بر حذر باش، و فريب مخور برادرم، كه
در آرزوهاي طويل و عريض زندگي كني و به اعمال نيكو مبادرت نورزي.

بس برادر عزيزم: ترا از آنچه كه سبب بدبختي ات مي شد بر حذر داشته و حال
اين تو هستي كه انرا مورد توجه ات قرار مي دهی يا نه.

برادرم: هر چه زود تر بسوي رستگاري و نجات بشتاب، بيش از آنكه فرصت
نجات و رستگاري از دستت برود، و به كارهاي نيكو مبادرت ورز بيش از آنكه
حساب باشد و ديگر فرصت عمل را دست رفته باشد.

برادرم: لحظه درنگ كن.

صلاح و درستی ات را در تقوا و پرهیزگاری و سعادت و رستگاری ات را در ترس از خدا جستجو کن.

پس برادرم: به تقوا و پرهیزگاری چنگ بزن، زیرا تقوا بهترین سنگر و پناه گاهیست که به آن پناه ببری.

برادرم: آیا دوست نداری که در دنیا از جمله نیکبختان و در آخرت از جمله رستگاران باشی؟

برادرم: اگر چنین چیزی را می خواهی پس باید در هر گناه کوچک و بزرگ از مولایت بترسی تا عاقبت آنرا برای خود نیکو و خوشگوار دریابی.

برادرم:

"نیکبخت کسی است که همیشه بر یک اصل ثابت چنگ بزند، و آن همانا تقوا و پرهیزگاریست، چه اگر بی نیاز شود به او زینت می بخشد اگر محتاج شود، دروازه های صبر و شکیبایی را بر رویش می گشاید، و اگر در سلامت و عافیت بماند، نعمتها را بروی تمام می کند. و اگر به آزمون روبرو شود، آن را می بردارد. و اگر زمانه به او از در جنگ پیش آید یا از در آشتی، اگر او را گرسنه کند یا سیر و اگر او را برهنه کند یا بپوشاند در هر صورت به او هیچ زیانی رسانده نمی تواند زیرا که همه این چیزها تغییر و تبدیل می شوند و از بین می روند، و تنها تقوا است که به حیث یک عنصر ثابت و ضامن سعادت و نیکبختی بجای خود باقی می ماند. آری تقوا پاسبانیست که خوابش نمی برد و به هنگام لغزش دست صاحبش را می گیرد. پس در هر حال تقوا را پیشه کن تا در حالت تنگی و سخت و در حال بیماری عافیت را دریابی.

آنچه ذکر شد فواید نقد و فوری تقوا در دنیا است، و فواید آن در آخرت پس چیز است معلوم بر همگان "ابن الجوزی"

برادرم: لحظه درنگ کن.

آیا گاهی در باره قبر تدبر نموده ای! آیا گاهی وحشت و دهشت آنرا بیاد آورده ای، روزی که دوستان و خویشاوندانت از تو جدا شوند و تو تنها در یک خانه تاریک و پر از وحشت باقی بمانی که در آن جز عمل نیکویت نه یاری باشد و نه غمخواری و نه روشنی.

برادرم: برای قبر چه چیز را آماده کرده ای؟

کسیکه نمی داند که مرگ چه وقت سراغش می آید باید همیشه آماده استقبال آن باشد و به جوانی و صحتش قریب نخورد. زیرا عموماً دیده شده که "یک کمان صد تیر را در خاک پنهان می کند" کهن سالان کمتر می میرند و جوانان بیشتر در معرض مرگ و میر می باشند. و بدین وجه جوانان به ندرت به پیری می رسند.

برادر جوان: از هجوم ناگهانی مرگ در حذر باش، زیرا که او بین پیر و جوان تمیز نمی کند. چه بسا جوانانی اند که در آغاز عمر و عفتوان جوانی شان شکار مرگ شدند و دوستان و خویشاوندان شان در رثایی جوانی شان اشکهای ریخته و ندامت‌های آه و حسرت سر داده اند. اما جوانیکه دنیا را بدروید گفته اگر راهزن و گنهگار باشد، پس وای بر حالش در آن لحظه، که فرشته عذاب به سراغش می رسد، و وای بر حالش روزیکه قبرش گودالی از گودال های آتش باشد.

برادرم: شاید به زودی بانگ رحیل نواخته شود و تو رخت سفر بربندی، پس باید از انجام بد بر حذر باشی، زیرا اعمال آخری انسان است که تعیین کننده سر نوشت آینده اوست.

پس برادرم: سخت بر حذر باش از اینکه مرگ به سراغت بیاید و تو غرق در

گناهان و شهوت‌ها باشی، و در آن وقت نادم شوی و قتیکه ندامت دیگر سودی نمی‌دهد.

پس برادرم: از عذاب سخت‌الله ج و عقاب شدید او بر حذر باش و مگو: که الله غفور رحیم است، اری الله غفور و رحیم است. ولی آیا برادرم: فراموش کرده‌ای که سخت عذاب دهنده است کسی را که نافرمانی او را کند.

الله تعالی گفته است:

ترجمه: مسلماً پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده و مهربان است.

و نیز گفته است

ترجمه: بندگانم را آگاه کن که من غفور و رحیم‌ام، و نیز آنها را آگاه کن که عذاب من عذاب دردناکی است.

همچنان گفته است. (ترجمه: پروردگار تو دارای مغفرت و مجازات دردناکی است".

برادرم: خداوند نهایت من و ترا به اعمال نیک خاتمه بخشد و من و ترا از جمله رستگاران به نعمتهای جاویدانی اش بگرداند و در فردوس برین جای مان بدهد. برادر جوانم: حالا من با تو وداع می‌گویم و در آخر نصایحی دلسوزانه را بر این عرض می‌دارم باین امید که آنها را ببیذیری.

برادرم:

* بر ادای نمازهای پنجگانه پای بند باش، و آنها را با جماعت در مسجد بخوان، زیرا این نمازها در دنیا و آخرت برای صاحبش روشنی است.

* هرچه زودتر به توبه خالص و راستین اقدام بورز، چه توبه راستین کثافات و پلییدی‌های معاصی را از بین می‌برد.

* اگر رستگاری دنیا و آخرت را طلبگاری پس با پدر و مادرت نیکویی کن.

* صحبت نیکان را گزین و از صحبت بدان بپرهیز.

* از وقت استفاده کن و آنرا در چیزی که بتو در دنیا و آخرت نفع نمی رساند ضایع مکن.

* به دیگران مهربان، دلسوز، و نیک خلق باش.

* به مستمندان و نیازمندان مهربان باش، باندازه توان و استطاعتت به مستضعفان هموا باش هر چند که به یک سخن نیکو باشد.

* در زندگی ات راه اعتدال را پیشه کن در خانه در مدرسه، در جاده و بازار در هر کجایی که باشی.

* صحت و نیروی خدا داد خویش را در راه منافع خود و هموعانت و سرزمین اسلامی ات استخدام کن، امت اسلامی بتو چشم دوخته است.

* کتابهای سودمند را مطالعه کن و به نوارهای مفید و علمی گوش فرا ده.

* به دین و عقیده ات افتخار کن و در نمایی بیرونی و عادات و سلوکت مشابهت با کفار را اختیار مکن.

* بدون ضرورت شرعی از سفر کردن به کشور های کفری بسیار به سختی پرهیز کن.

* از استعمال مخدرات و اشیای نشه آور اجتناب ورز، زیرا که مخدرات دشمن صحت و جوانی تو به شمار میرود.

* به نفس خود اعتماد کامل داشته باشد، چه تو موجود سست و ناکاره و بی دفاع آفریده نشده ای، اما اعتماد نداشتن تو به نفست ترا یک موجود سست، ناکاره و شکست خورده ساخته است.

برادر جوانم: آنچه که گفته شد سخنانی بود که از اعماق ضمیر آنرا برایت بیرون آوردم و با نصیحت راستین آنرا در آمیخته و در قالب اخوت و برادری برایت تقدیم نمودم.

وچقدر من نیکبخت خواهم بود اگر تو آنرا بپذیری.

برادرم: من تلاش و کوشش خود را در راستایی نصیحت و خیرخواهی برای تو

بخرچ دادم. پس بر من وظیفه ابلاغ و رساندن است و بس.
و اگر تو بر آن عمل کردی انشاء الله شاهد سعادت و نیکبختی را به آغوش خواهی
کشید.

برادرم: هیچ عار و عیبی برایت نخواهد بود اگر تو صفحه جدیدی را در زندگی
ات بگشایی و در آن اعمال نیکو را ثبت کنی تا چراغ فروزان و مشعل تابان در
دنیا و آخرت روزی که به پروردگارت ملاقات میکنی، فرا راه تو قرار گیرد. و
تو در آن روز نیکبخت و رستگار و خوش و خرم باشی. خداوند من و ترا حفاظت
کند و به کردن کارهای نیک توفیق مان بخشد.

برادرم:

اینست سلام و سوغاتم برایت در آخر چنانچه که در آغاز آنرا برایت پیشکش
نموده بودم.

ومن الله توفیق